روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان فاطمی، خیابان بهرام مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ • نمابر: ۸۸۹۲۵۴۶۷ • تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹
تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸ • توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: صمیم تلفن: ۴۴۵۳۳۷۲۵
www.sharghdaily.ir
پنجشنبه ۲۴ شهریور ۱۴۰۱ • ۱۸ صفر ۱۴۴۴ • ۱۵ سپتامبر ۲۰۲۲ • سال بیستم • شماره ۴۳۷۶ • ۱۲ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۳:۰۰ • اذان مغرب ۱۹:۳۰
اذان صبح فردا ۵:۲۳ • طلوع آفتاب ۶:۴۷

روزنامه شرق

• پایانه ۲۰۰ هکتاری برکت بعد از شهر مهران و در نزدیکی پایانه مرزی واقع شده است. تاکنون در حدود ۵۰ هزار خودرو در این پارکینگ و بیش از ۲۰۰ هزار خودرو در پارکینگ‌های عمومی و خصوصی شهر مهران پارک شده است.
عکس: پیمان حمیدی‌پور، میزان

دیالوگ روز

ارباب حلقه‌ها دوبرج - پیتر جکسون - ۲۰۰۲

ســـم (شان آستین): چطور دنیا میتونه به راهِ درستش برگرده در حالی که این‌قدر اتفاقات بد میفته؟... اما در نهایت تاریکی هم باید بگذره و جای خودش رو به روشـــنایی بده. این‌بار وقتی خورشید دوباره می‌تابه، درخشان‌تر خواهد تابید... اینا همون داســـتان‌هایی هستن که توی ذهن‌هامون باقی موندن و معنا پیداکردن... ولی حالا می‌فهمم که آدم‌های توی اون قصه‌ها، می‌تونســـتن تسلیم بشـــن، ولی هیچ‌وقت این کار رو نکردن... به راهشون ادامه دادن، چون به هدفشون ایمان داشتن. فردو (الیجاه وود): ما به چی ایمان داریم، سم؟ سم: که هنوز کمی خوبی در این دنیا هست... و ارزش جنگیدن رو داره.

زلزله طبس؛ شدیدترین جنبش ثبت‌شده در ایران

مهدی زارع

در ۲۵ شـــهریور ۱۳۵۷، زمین‌لـــرزه‌ای بـــا بزرگای ۷.۴ در ســـاعت ۱۹:۰۶ شـــهر طبس در شـــرق ایران مرکزی را ویران و خسارات و ویرانی‌های زیادی را در روستاهای اطراف ایجاد کرد. این زلزله دســـتگاهی با بیشترین ســـطح جنبش شدید زمین تاکنون ثبت‌شده در ایران و شـــدیدترین حادثه در پهنه رومرکزی در سده پیشین در ایران بوده است. در گزارش سازمان زمین‌شناسی ایالات متحده که در نوامبر ۱۹۷۸/ آبان ۱۳۵۷ تهیه شده، آمده است که بنا بر دعوت مؤسسه ژئوفیزیک دانشگاه تهران، پژوهشگران این سازمان به ایران و در دو نوبت به منطقه زلزله‌زده ســـفر کردند. بر اســـاس این گزارش اســـتاد عکاشـــه و مهندس ایرج عشقی از مؤسســـه ژئوفیزیک دانشگاه تهران در این بازدید با تیم سازمان زمین‌شناســـی آمریکا همراه بوده‌اند. خسروآباد، در ۷.۵کیلومتری جنوب شـــرقی طبس شدیدترین خســـارت‌ها را تحمل کرده بود. از دیهوک گزارش شد که به دلیل بروز رعدوبرق‌هایی قبل از رخداد لرزه اصلی، در محدوده کوه‌های شتری، بعضی مردم در دیهوک پیش‌آگاهـــی یافتند و جان به در بردند؛ ولی چنین چیزی از محدوده پیرامون طبس گزارش نشـــد. بر اســـاس پژوهش‌های نگارنده در سال ۱۳۷۵، ممکن اســـت مشاهده رعدوبرق قبل از لرزه اصلی به شروع گسیختگی در گسل زمین‌لرزه‌ای از محدوده دیهوک مربوط باشـــد. تلفاتی که در گزارش ســـازمان زمین‌شناسی ایالات متحده ۱۴ هزار نفر برآورد شـــده، در گزارش سازمان برنامه که در مهر ۵۷ تهیه شده، شـــش‌هزارو ۲۰۰ نفر برآورد شده است. گسیختگی سطحی گسل زمین‌لرزه‌ای در شرق طبس در درازای حدود ۵۵ کیلومتر و با ناپیوستگی‌هایی به فاصله هشت کیلومتر در میانه گسیختگی‌های سطحی قابل مشاهده بوده است.

از میان شتاب‌نگاشـــت‌هایی کـــه در این زلزله با همت زنده‌یـــاد مهندس علی‌اکبر معین‌فر به دســـت آمده، سه شتاب‌نگاشت ســـه‌مؤلفه‌ای ثبت‌شده در نزدیکی کانون (در فاصلـــه کمتر از ۵۰ کیلومتر از کانون) اهمیت مهندســـی زیـــادی دارند. فواصل محل‌های ثبت از نزدیک‌ترین نزدیک به ســـطح گســـیختگی به ترتیب در ایستگاه‌های طبس، دیهوک و بشـــرویه به ترتیب ۳، ۱۷ و ۲۸ کیلومتر اســـت. نگاشت شتاب‌نگاری حاصله در محل ساختمان شیروخورشید طبس از قوی‌ترین نگاشت‌های شتاب‌نگاری از نظـــر محتوای انرژی و مشاهده‌شـــدن دامنه‌های بلنـــد در فرکانس‌های مختلف در ایران و در دنیاســـت. تا ســـال‌ها بعـــد از زلزله طبس این نگاشـــت به‌عنوان مهم‌ترین نگاشت حوزه نزدیک گســـل برای طراحی سازه‌های حساس مورد استفاده بود؛ گسل زمین‌لرزه‌ای که از فاصله حدود پنج‌کیلومتری شـــهر طبس عبور می‌کرد. شـــتاب‌های اوج افقی اندازه‌گیری‌شـــده زمین ۰.۹۴ و ۰.۸۸ شتاب جاذبه زمین در طبس بود. اوج شـــتاب عمودی زمین ثبت‌شده در این ایستگاه ۰.۷۴ شتاب جاذبه زمین بود. طیف‌های پاسخ‌نگاشـــت‌های زلزله نشان می‌دهد که محتوای جنبش به اندازه کافی دامنه‌های تقویت طیفی را در فرکانس‌های مختلف داشـــته است. شتاب‌نگاری شوک اصلی در دیهوک حداقل ســـه رویداد متمایز را به‌عنوان نشانه‌ای از رفتار پیچیده گسلش نشان می‌دهد. جبهه گسیختگی به سمت شمال غربی از سوی دیهوک گسترش یافته و دور شده و به سمت طبس حرکت کرده است.

یکی دیگر از حاشـــیه‌های تلخ این زلزله، ســـانحه ســـقوط هواپیما در بیست‌ونهم شـــهریور ۱۳۵۷ بود؛ یک فروند هواپیمای ســـی۱۳۰ نیروی هوایی که به منظور حمل وســـایل و خواربار مورد نیاز مردم زلزله‌زده طبس از پایگاه شـــیراز عازم تهران بود، در حدود ســـاعت هشت صبح، در فرودگاه دوشان‌تپه ســـقوط کرد و ۹ نفر ارتشی در آن کشته شـــدند. نگارنده هنگام فرود و البته ســـقوط این هواپیما به‌طور کاملا اتفاقی از بالکن منزل حادثه را مشاهده کرد.

آغاز فعالیت و ثبت‌نام در مدرسه کاربردی علوم ارتباطات «شرق»

ثبت‌نام در مدرسه «شرق» از تاریخ ۲۰ شهریورماه شروع می‌شود و تا تاریخ نهم مهرماه ادامه دارد.
در این مدت هر روز به استثنای روزهای پنجشنبه و تعطیل از ساعت ۱۰ تا ۱۸ ثبت‌نام به عمل خواهد آمد

مدرسه کاربردی علوم ارتباطات «شرق» نخستین دوره فعالیت خود را آغاز می‌کند. برای دوره نخست کارگاه‌ها و ورک‌شاپ‌هایی طراحی شده است که بتواند هم برای این مدرسه نقطه آغاز مطلوبی را ایجاد کند و هم پیش‌درآمد مناسبی برای آینده مدرسه شرق باشد. در دوره نخست کارگاه‌ها و ورک‌شاپ‌های مدنظر در جلسات متناوب و به مدت‌زمان دو یا سه ساعت برگزار می‌شود. سعی بر آن شده است که مدرسان هر کارگاه از میان متخصصانی انتخاب شوند که دانش خود را به‌صورت میدانی یا میدانی- آکادمیک فراگرفته‌اند. برخی از مدرسان، روزنامه‌نگاران «شرق» هستند و سایر مدرسان نیز بعضا با روزنامه «شرق» و فعالیت‌های آن ارتباط کاری تعیین‌کننده‌ای داشته‌اند. کلاس‌ها از هفته سوم مهرماه آغاز می‌شود. یک هفته قبل از برگزاری هر کارگاه یا ورک‌شاپ با متقاضیانی که ثبت‌نام کرده‌اند، تماس گرفته می‌شود و زمان دقیق جلسات به آنها اعلام خواهد شد. در کنار آن به هنرجویان سرفصل‌های آموزشی و رزومه هر مدرس ارائه می‌شود.

برای ثبت‌نام و کسب اطلاعات بیشتر و آگاهی از شهریه‌های هر کارگاه با شماره ۸۸۹۴۲۰۳۵ و ۰۹۱۲۳۰۸۵۰۲۳ تماس حاصل فرمایید.

نام کارگاه	نام مدرس	درباره مدرس	جلسات، حضوری یا آنلاین
روزنامه‌نگاری اقتصادی	دکتر محسن ایلچی	روزنامه‌نگار و مدرس دانشگاه	۱۲ جلسه/ حضوری
تولید بر مبنای حرکت/ روزنامه‌نگاری میدانی* (آموزش کاربردی در محل تولید - روزنامه‌نگاری مولد)*	نیلوفر حامدی شهرزاد همتی	گزارش‌نویس شرق دبیر سرویس اجتماعی شرق	۶ جلسه حضوری/ میدانی
تکنولوژی و نوآوری در رسانه (شناخت فناوری‌های مدرن ارتباطی)	دکتر نفیسه زارع‌کهن	روزنامه‌نگار و مدرس دانشگاه	۶ جلسه/ حضوری
ویدئو ژورنالیسم در اتمسفر ایران صفر تا صد تولید در یک رسانه مولتی مدیا (خبر، گزارش، تصویر و ساخت تصویر ...)	سینا رحیم‌پور	سردبیر شبکه شرق	۸ جلسه/ حضوری و آنلاین
روزنامه‌نگاری بحران و بعد از بحران	دکتر کتایون مصری	روزنامه‌نگار و مدرس دانشگاه	۸جلسه/ حضوری
روایت‌نویسی و قصه‌پردازی به زبان رسانه	علی دهقان	سردبیر روزنامه شرق	۳ جلسه/ حضوری
تکنیک‌های توییتر نویسی خبری	مریم شکرانی	روزنامه‌نگار و فعال توییتری	۳ جلسه/ حضوری
روزنامه‌نگاری ورزشی و ضرورت‌های آن	سجاد فیروزی	دبیر سرویس ورزشی شرق	۵ جلسه/ حضوری
روزنامه‌نگاری ورزشی از منظر تاریخ و جامعه	امیرحسین ناصری	دبیر تحریریه شرق	۵ جلسه/ حضوری
روابط عمومی پلت فرمی	دکتر حسین امامی	مدرس دانشگاه	۲ جلسه/ آنلاین
روابط عمومی تجاری**	دکتر احمد یحیایی ایله‌ای	مدرس دانشگاه	یک جلسه/ حضوری
آموزش کاربردی ایندیزاین و نکات راهبردی فتوشاپ و ایلوستریتور	علی شهرابی	گرافیست روزنامه شرق	۱۴ جلسه حضوری/ عملیاتی
فیلمسازی و ارتباطات تصویری (در محدوده امکانات)	سعید نبی	مستندساز	۱۰ جلسه حضوری

*زمان هر جلسه بستگی به کار و تشخیص مدرس دارد (دو کلاس و دو مدرس)
**زمان جلسه چهار ساعت است

نام ورکشاپ	نام مدرس	درباره مدرس	ساعت/ حضوری	توضیحات
فرهنگ سازمانی رسانه	دکتر کتایون مصری	روزنامه‌نگار و مدرس دانشگاه	یک جلسه/ حضوری	زمان جلسه سه ساعت
بازخوانی کاربردی تجربه‌های رسانه‌ای	جلال خوش‌چهره	روزنامه‌نگار پیشکسوت	یک جلسه/ حضوری	زمان جلسه سه ساعت
روانشناسی ارتباطات	علی دهقان	سردبیر روزنامه شرق	یک جلسه/ حضوری	زمان جلسه سه ساعت
روزنامه‌نگاری در فضای چندرسانه‌ای چطور یک رسانه مولتی‌مدیا راه‌اندازی کنیم؟ فرا رسانه/ مالتی مدیا	سینا رحیم‌پور	سردبیر شبکه شرق	یک جلسه/ حضوری	زمان جلسه سه ساعت

شرق

یاد

گدار خسته بود

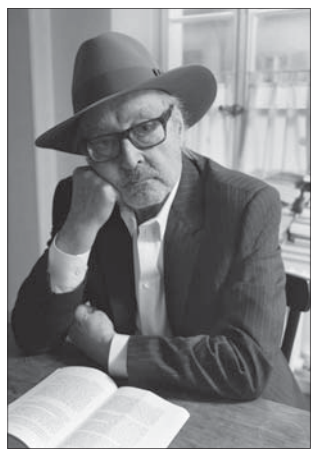

شـــرق: هنگامی که خبر درگذشـــت «ژان لوک گدار»، فیلم‌ســـاز سرشناس فرانســـوی و پدرخوانـــده مـــوج نـــو ســـینمای فرانســـه رســـید، کمتـــر کســـی فکر می‌کـــرد که مـــرگ او در ۹۱ســـالگی «خودخواســـت» و بـــه دلیل «خسته‌شـــدن» و انتخابی باشد. ایـــن موضوع در بیانیـــه‌ای که «ماری میـــه ویل» همســـر او، با چنـــد نفر از تهیه‌کننـــدگان فیلم‌هایـــش منتشـــر کرده‌اند آمده اســـت. آنهـــا به اطلاع علاقه‌منـــدان کارگـــردان معـــروف رســـانده‌اند کـــه «گدار به خواســـت خود از این دنیا رفته اســـت» و مشاور حقوقی قدیمـــی او، پاتریـــک ژانرت، بـــه نیویورک‌تایمز گفت کـــه آقای گدار بر اثر خودکشـــی کمکی درگذشـــت، زیرا از «آسیب‌های ناتوان‌کننده متعدد» رنج می‌برد. او توضیح داده است: «او نمی‌توانست مثل من و شـــما زندگی کند؛ بنابراین مانند تمام عمـــرش با صراحت زیادی تصمیم گرفت که بگوید دیگر بس اســـت». آقای ژانرت گفت که آقای گدار می‌خواســـت با عـــزت بمیرد و این دقیقا همان کاری بود که او کرد. این شـــیوه مرگ انتخابی یادآور سخنان این کارگردان شناخته‌شده است که گفته بود: «فیلم از یک شروع، یک میانه و یک پایان تشـــکیل شده اســـت، البته نه لزوما به این ترتیب». به نظر می‌رسد گدار تصمیـــم گرفته و کات نهایی را خـــودش داده و نقطه پایـــان زندگی‌اش را خودش گذاشـــته اســـت و البته نه به دلیل اینکه بیمـــار بود بلکه به این دلیـــل اینکه صرفا «خسته» شده بود.

در رسانه‌های جهان تعبیرات تحسین‌آمیز بسیاری درباره او به کار برده‌اند. ورایتی او را پادشـــاه موج نوی ســـینمای فرانســـه نامیده و نیویورک‌تایمز او را آغازگر موج نوی فرانســـه نامیده است و لیبراســـیون از او به‌عنوان پدرخوانده موج نوی فرانسه یاد کرد و نوشـــت: «گدار بی‌شک تأثیرگذارترین فیلم‌ساز فرانسوی دوره پس از جنگ بود؛ از جســـت‌وجو در موضوعاتی که تابو بودند تـــا به‌کارگیری تکنیک‌های بدیعی که فیلم‌ســـازی را متحول کرد و تا دهه‌های پـــس از اوج در دهه ۱۹۶۰، الهام‌بخش کارگردان‌های نمادین بود».

رویترز درباره او نوشـــت: «او یک انقلابی واقعی بود که فیلم‌سازان را به هنرمند بدل کرد».

امانوئل مکرون، رئیس‌جمهوری فرانســـه در توییتر نوشت :«ما یک گنجینه ملی، یک نابغه را از دست داده‌ایم».

گدار جشـــنواره فیلم کن را در اعتراضات می ۱۹۸۶ به احترام و برای همبستگی بـــا دانشـــجویان و کارگران معترض به تعطیلی کشـــاند و معتـــرض جنگ آمریکا با ویتنام بود و همچنین همراه با آرمان‌های فلســـطینی بود؛ آرمان‌هایی که ریشـــه در نگرش‌های صهیونیست‌ستیزانه او بود.

او طرفداران زیادی در ســـینمای هالیوود داشـــت؛ از کوئنتیـــن تارانتینو تا وودی آلن، مارتین اسکورســـیزی، برناردو برتولوچی و جیم جارموش و ســـوزان ســـونتاگ از تحســـین‌کنندگان او بودند. به گزارش مهر او یک بار بـــه لس‌آنجلس‌تایمز گفت: «هالیـــوود ترجیح می‌دهد یـــک درصد از یک میلیون نفر را تغذیـــه کند، من ترجیح می‌دهم به صد درصد از ۱۰ نفر غذا بدهم. من همیشـــه کاری را انجام می‌دهم که انجام نشـــده اســـت و کاری که من هرگز انجام نداده‌ام، همان کاری اســـت که بقیه انجام می‌دهند. هنوز فکر می‌کنم با ساخت فیلم می‌توان یک هنرمند بود».

شاهنامه‌خوانی

لشکرآرایی خسرو

مهدی افشار
شاهنامه‌پژوه

خســـرو با اندوه، خبر کشته‌شدن پیران ویســـه را دریافت داشت و مرگ پیران که برخاســـته از دل ناپاکی افراسیاب بود، بیش از پیش خشم خسرو را بر نیای خویش برانگیخت؛ ســـپاهی بی‌کران بیاراست و فرمان داد در کرناها بردمند و پرده‌سرای در هامون افرازند و در شـــهر، دیگر هیچ خفتان به جای نماند و در هامون جای رفتن. تخت پیروزه‌ای بر پشـــت پیلی زدند تا خســـرو بر آن فرازجای بنشیند. خسرو آن‌گاه پهلوانان سپاه خود چون رستم، سهراب و اشکش و گودرز و توس را با نامه فراخواند و درِ گنج بگشود و مقرری سپاه را بداد و از روان سیاوش به نیکی یاد کرد و به آنان گفت: «از شما می‌خواهم نه خواب به چشمان خود راه دهید، نه آرام به تن و تنها و تنها به رزم با افراسیاب بیندیشید». چون پهلوانان و رادمردان نامه فراخوانی خسرو را دریافت داشـــتند، از کوشش و جنبش آنان گیتی به خروش و زمین به جوش آمد و یک‌یک پهلوانان با سپاه‌شـــان به درگاه شاه روی آوردند، چون سپاهیان گرد آمدند و خســـرو از آنان دیدار کرد، رزمگاه را بیاراســـت و از میان آنان سی هزار شمشیرزن را برگزید که با او در قلب ســـپاه جای گیرند، در یک ســـوی مرطـــوس را جای داد و در سوی دیگر منوشـــان خوزان را که بر سرزمین خوزیان شهریاری می‌کرد. اینان دو پهلوان رزم‌دیده بودند و همتای ایشـــان گوران شـــاه بود که ســـپاه از او نیرو و توان می‌گرفت. شهریار کرمان نیز به آنان پیوست و در زیر پرچم کاویانی گردن افراخت و از آنان پهلوان‌تر، آرش که در لشکرشـــکنی پرآوازه بود. صیاع، شاه یمن را نیز خسرو با ســـپاه جنگاورش در زیـــر پرچم کاویانی فراخوانده بود و نیـــز ایرج پیلتن را که در کابل پادشاه بود.

فرزندان کیقباد چون شـــماخ سوری، شاه ســـوریان و گیوه شمشیرزن که بر شهر «داور» پادشـــاهی می‌کرد نیز به سپاه خسرو پیوســـتند. از تخمه پور و زرسپ، فرخ آذرگشسب و دیگر بیژن و رهام، فرزندان گیو و نیز گرگین میلاد و پهلوانان دیگر ری، به فرمان خسرو با دلی شاد آمدند. آنگاه بال راست سپاه را به رستم سپرد که یک‌تنه ســـپاهی را در هم می‌شکست و چون رستم به سپاه ایران پیوست، همه آنانی که از زابلستان و از وابستگان و خویشان او بودند، با رستم همراه شدند.

و در بال چپ، ســـپاهی بیاراست که چون خورشید در برج بره بود و گودرز را در آن بال گمارد و هجیر و شـــیدوش و فرهاد نیز به گودرز پیوستند و پهلوانانی از بردع و اردبیل نیز آرزو کردند در کنار گودرز شمشـــیر زنند. به فرمان خســـرو، پیلان جنگی در پیشـــاپیش قلب سپاه، رده برکشیدند و بر پشـــت پیلان عماری‌ها نشاندند و هزار ناوک‌انداز خفتان‌دوز بر عماری‌ها مستقر شدند و برای هر پیل سیصد سوار را نگهبان کردند که همـــه جنگجویان نیزه‌دار بودند و همراه زنگه شـــاوران، گردانی از بغداد آمدند و گردان بلخی نیز شهریارشان را همراه شدند و سپاهی گزیده از پیاده‌رزمان با سپرهای گیلی را راهی کردند که از زخم ناوک جانسوزشان کس رهایی نمی‌یافت و از پس و پشت پیادگان، سواران جنگی رده بربستند که ترکش‌های‌شان از تیر خدنگ آکنده بود. خسرو از خاور نیز سپاهی برگزید، همه آنان سپرهای بلند در دست و کلاه رومی بر ســـر داشتند، سی هزار سوار از ایشـــان را تحت فرمان عمویش، فریبرز قرار داد و شاه تخوار را نیز دوشادوش فریبرز گرداند. از بغداد گردن‌فرازان کرخ را فرمان داد تا با کمان‌های‌شـــان هوا را چون ابر بهاری بگریانند. از دشـــت سواران نیزه‌وران [یمن] سپاهی به فرماندهی زهیر از راه رسید که به فرمان خسرو در زیر پرچم فریبرز نســـتوه جای گرفت و بدین گونه بال چپ لشکر چون کوه گردید. از روم و بربرستان نیز سپاهی به فرماندهی پهلوانی به نام «پیشرو» بیامد. عدد اینان سی هزار سواره و پیاده بود. از خراســـان نیز سپاهی آمد به فرماندهی منوچهر آرش و از تخمه کیقباد هم نامداری به نام «شـــاه پیروز» فراز آمد. شه غرچگان نیز شتابان خود را به خسرو رســـاند و شاهنشاه ایران او را در زیر پرچم منوچهر جای داد. بزرگانی که از کوه قاف آمدند، نیزه در دست، تیغ از کمر آویخته بودند. از خاندان فریدون و جم نیز سپاهی از راه رسید و خسرو سی هزار شمشیرزن را تحت فرمان گیو قرار داد و بال راست سپاه را با ده هزار سوار خنجرگذار تقویت کرد. برته شمشیرزن با کوهیار نیز آمدند. زواره، فرماندهی طلایه‌داران سپاه را عهده‌دار شد و پیشاپیش آنان قارن رزم‌زن جای گرفت تا در میان دو رویه سپاه شمشیر زند.

آن‌گاه به گســـتهم، فرزند غیور گژدهم گفت دوشادوش قارن رزم‌زن مبارزه کند. خســـرو به اندمان، پســـر توس فرمان داد آزادانه در میدان در جنبش باشد و در هر کجای به نیروی یاری‌بخش نیاز اســـت، آن نقطه را تقویت کند و بدین گونه دســـت بیداد را ببندد و نایزدان‌پرستان را ناتوان گرداند.

خســـرو در اندیشـــه خورد و خوراک ســـپاه نیز بود که مبادا کمبودی پدید آید و گاومیش‌ها را در پس و پشـــت ســـپاه جای داد تا از آنان خورش ســـازند. به هر سو طلایـــه روانه کرد تا با همه آمادگی‌ها دچار تیزچنگی دشـــمن نشـــوند و بدین گونه کارآگاهان به هر ســـوی تا دورها رفتند برای آگاهی از رفتار دشمن. در هرکجا کوهی بود، دیده‌بانانی گماشت و اجازه نداد سپاه پراکنده شود و چنان نظم و نظامی به آن بخشید که سواران همه هم‌عنان و پیادگان همه همگام بودند. سپاهیان را آن‌چنان با گنج خود دلگرم گرداند که هیچ سپاهی‌ای دل‌نگران و در رنج نباشد و بدین گونه شاه لشکری رزمجو بیاراست و تاج کیانی را به اوج گردون رساند.

عنان‌ها یک اندر دگر ســـاخته/ همه جنگ را گردن افراخته/ از ایشان کسی را نبد بیم و رنج/ همی راند با خویشتن شاه گنج/ به این گونه چون شاه لشکر بساخت/ به گردون کلاه کی‌ای برفراخت